

مقاله پژوهشی

اصیل

Original
Article

اعتباریابی مقیاس هوش هیجانی ونگ و لاو

گلناز علی بابائی^۱، هانیه رحیمی^۲، صفدر نبی زاده^۳، مریم عبدالهی مقدم^۴،
صغرا رضائی^۵، سمانه شاد گهراز^۶

چکیده

هدف: هدف از این مطالعه، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو بود. مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو، یک مقیاس خودگزارشی ۱۶ گویه‌ای از هوش هیجانی است که بر اساس مدل تجدید نظر شده مایر و سالووی ساخته شده است. **روش:** روش این پژوهش، تحلیل عاملی بود. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و پیام نور شهرستان مشهد بودند که از این جامعه و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۶۸۳ آزمودنی انتخاب شدند و به چهار ابزار مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو (WLEIS-16)، سیاهه پنج‌نای بزرگ (BFI-10)، بهزیستی روان‌شناختی ریف (RPWS-18) و مقیاس کوتاه رفتارهای پرخطر جوانان (YHBSS-14) پاسخ دادند. نتایج روایی همزمان نشان داد هوش هیجانی با بهزیستی و ویژگی‌های شخصیتی سازگاری و برون‌گرایی، همبستگی مثبت ($p < 0/01$) و با ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری و رفتارهای پرخطر، همبستگی منفی ($p < 0/01$) دارد. پایایی کل نیز به روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۰ به دست آمد. تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار چهار عاملی را شناسایی و نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز ارتباط چهار عامل با سازه هوش هیجانی را تأیید کرد. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل، ایران. g.babaei1991@gmail.com
۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا. همدان، ایران. haniehrahimi95@gmail.com
۳. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی عمران و توسعه. همدان، ایران (نویسنده مسئول). nabizadeh.safdar@yahoo.com
۴. دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا. همدان، ایران. m.abdolahi65@gmail.com
۵. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل، ایران. soghra.ramezani.8684@gmail.com
۶. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل، ایران. samanehsh199400@gmail.com

طبق یافته‌های پژوهش، مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو می‌تواند ابزاری مناسب برای ارزیابی هوش هیجانی در جامعه ایرانی باشد.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، اعتباریابی، دانشجویان.

الف) مقدمه

در دهه‌های اخیر، مجموعه تحقیقات فزاینده‌ای برای درک مبانی عاطفی تفکر و رفتار انسان صورت گرفته است (بارساد و همکاران، ۲۰۰۳^۱). در این میان، مطالعات متعددی بر مفهوم هوش هیجانی^۲ متمرکز شده‌اند (مایر و سالووی، ۱۹۹۷^۳). همچنین در طول سه دهه گذشته، حجم وسیعی از تحقیقات فراتحلیلی مستند شده است که در آنها هوش هیجانی یک ساختار نظری و تجربی مهم در ارتباط با سلامت و رفاه است. (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۰^۴)

هوش هیجانی که هم به عنوان یک ویژگی (گلمن، ۱۹۹۹^۵) و هم توانایی، متمایز از توانایی شناختی عمومی (آی.کیو) تعریف می‌شود، عبارت است از: آگاهی، کنترل و ابراز هیجانات و توانایی مدیریت روابط بین فردی به طور عاقلانه و همدلانه (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). اهمیت گسترده و روزافزون توسعه نظری و اندازه‌گیری هوش هیجانی در طول سالیان اخیر، علاقه پژوهشگران را به بررسی و مطالعه علمی هوش هیجانی در حوزه‌های مختلف زندگی، برانگیخته است (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۰). از زمان اولین نگارش درباره هوش هیجانی در سال ۱۹۹۰ (سالووی و مایر، ۱۹۹۰)، هوش هیجانی به عنوان یک ساختار متفاوت فردی در زمینه‌های مختلف (مانند شغل، آموزش و زمینه‌های بالینی) و در کشورهای مختلف مطالعه شده است. به موازات این علاقه رو به رشد، محققان و متخصصان برای تعیین هوش هیجانی افراد، رویکردهای مختلفی را برای اندازه‌گیری آن در دو دهه اخیر پیشنهاد داده و بررسی کرده‌اند. (زیدنر و همکاران، ۲۰۰۴^۶)

هوش هیجانی در دو جریان مفهوم‌سازی شده است: مدل توانایی^۷ و توانایی صفت آمیخته^۸ (گلدنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶^۹). در مدل اول، هوش هیجانی به عنوان توانایی‌ای که در

1. Barsade, Brief, & Spataro
2. Emotional Intelligence (EI)
3. Mayer & Salovey
4. Martins, Ramalho & Morin
5. Goleman
6. Zeidner, Matthews, & Roberts
7. Ability Model
8. Mixed-Trait Ability
9. Goldenberg, Matheson & Mantler

قالب هوش طبقه‌بندی می‌شود، مفهوم‌سازی می‌شود (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). مایر و سالووی طرفداران این مدل‌اند و فرض می‌کنند که هوش هیجانی از چهار بُعد تشکیل شده است: ادراک هیجان،^۱ جذب و همانندسازی هیجان،^۲ درک هیجان^۳ و مدیریت هیجان^۴. مدل دوم هوش هیجانی به عنوان ترکیبی از سازه‌های شناختی، انگیزشی و عاطفی مفهوم‌سازی شده و به عنوان یک ویژگی شخصیتی طبقه‌بندی می‌شود. (بار-آن، ۱۹۹۷)

تعاریف مدل ترکیبی از هوش هیجانی منشأ بسیاری از انتقادات اند؛ زیرا الف) به نظر می‌رسد هوش هیجانی را با طرد، به عنوان هر ویژگی مطلوبی که توسط توانایی شناختی نشان داده نمی‌شود، تعریف می‌کنند (زیدنر و همکاران، ۲۰۰۴) و ب) بیش از حد با ویژگی‌های شخصیتی درگیرند، تا اینکه یک ساختار متمایز را توجیه کنند (کوته، ۲۰۰۵). در نتیجه، برخی به این نتیجه رسیده‌اند که تنها مدل‌های توانایی هوش هیجانی ارزش مطالعه را دارند (دوس و اشکانسی،^۷ ۲۰۰۵) یا حداقل اینکه مدل‌های ترکیبی عمیقاً ناقص‌اند (به دلیل نبود پایه‌های تجربی و مفهوم‌سازی بیش از حد گسترده آنها). (مورفی، ۲۰۰۶)

با وجود پذیرش گسترده چارچوب سالووی و مایر (گلدنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶)، هیچ اتفاق نظری درباره چگونگی ارزیابی آن وجود ندارد (کوته، ۲۰۰۵). در واقع؛ ابزارهای مبتنی بر عملکرد و ابزارهای خود گزارش‌دهی ممکن است متمایز شوند (گلدنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶). ابزارهای مبتنی بر عملکرد معتقدند که هوش هیجانی باید از طریق حل مسئله ارزیابی شود تا مشخص شود که آیا پاسخ صحیح است یا خیر؛ یعنی نشان‌دهنده هوش هیجانی بالاست. ابزارهای خود گزارش‌دهی معتقدند که هوش هیجانی باید با پرسش از افراد درباره سطح هوش هیجانی خودشان سنجیده شود. در رویکرد ابزارهای مبتنی بر عملکرد، دو ابزار توسعه‌یافته به روش آزمون هوش، برجسته شده‌اند: مقیاس هوش هیجانی چندوجهی^۸ (مایر و همکاران، ۱۹۹۷) و آزمون هوش هیجانی مایر-سالووی-کاروسو^۹ (مایر و همکاران، ۱۹۹۹). مقیاس هوش هیجانی چندوجهی متداول‌ترین آزمون مبتنی بر توانایی است که به طور خاص برای اندازه‌گیری چهار شاخه از مدل هوش هیجانی مایر و سالووی طراحی شده است. این شامل

1. Perception of Emotion
2. Assimilation of Emotion
3. Understanding Emotion
4. Management of Emotion
5. Bar-On
6. Conte
7. Daus & Ashkanasy
8. Murphy
9. Multifacet Emotional Intelligence Scale (MEIS)
10. Mayer-Salovey-Caruso Emotional Intelligence Test (MSCEIT)

بیش از ۴۰۲ گویه است و تکمیل آن یک تا دو ساعت زمان می‌برد (ونگ و لائو، ۲۰۰۲) و روشهای مختلفی برای شناسایی پاسخهای صحیح دارد (برای مثال: امتیازدهی هدف، امتیازدهی اجماعی و امتیازدهی تخصصی). از آنجا که این مقیاس، پایایی پایین و مشکلاتی را در روشهای امتیازدهی نشان می‌داد، نویسندگان آزمون هوش هیجانی مایر-سالووی-کاروسو را توسعه دادند (کوتنه، ۲۰۰۵) که شامل ۱۴۱ گویه است و تکمیل آن ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشد. با این وجود، مانند مقیاس هوش هیجانی چندوجهی، این ابزار هم منتقدانی را دارد. نبود اتفاق نظر در ارزیابی پاسخ بین کارشناسان، مدت زمان اجرای آزمون و هزینه‌های بالای استفاده از آنها، از جمله انتقادهای وارد شده بر این مقیاس است. (کوتنه، ۲۰۰۵؛ گلدنبرگ و همکاران، ۲۰۰۶)

در نهایت، با توجه به ابزارهای خود گزارش دهی هوش هیجانی توانایی، مقیاسهای هوش هیجانی دیگری نیز وجود دارند که برای اندازه‌گیری توانایی‌های عاطفی هسته‌ای پیشنهاد شده توسط مایر و سالووی (۱۹۹۷) از مفهوم‌سازی هوش هیجانی طراحی شده‌اند؛ مانند مقیاس صفت فراخلقی^۲ (فرناندز بروکال و همکاران، ۲۰۰۴)، نسخه کوتاه نمایه هوش هیجانی گروه کاری (لوپز زافرا و همکاران، ۲۰۱۴)، سیاهه خود گزارش دهی شوته (فراندیز و همکاران، ۲۰۰۶) و مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو (ونگ و لائو، ۲۰۰۲).

مقیاس هوش هیجانی خود گزارش دهی (شوته و همکاران، ۱۹۹۸) دارای ۳۳ گویه است و با راه حل تک‌عاملی ارائه شده است. مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو شامل ۱۶ گویه است که با یک راه حل چهار عاملی، در چهار بُعد ذیل توزیع شده است: ارزیابی هیجانات خود و توانایی درک هیجانات عمیق و بیان این هیجانات به طور طبیعی؛ ارزیابی هیجانات دیگران و توانایی درک و فهم هیجانات دیگران؛ تنظیم هیجانات و توانایی خودتنظیمی هیجانات، که بهبودی سریع‌تر از پریشانی روانی را امکان‌پذیر می‌کند؛ استفاده از هیجانات و توانایی افراد برای استفاده از هیجانات خود با هدایت آنها به سمت فعالیت‌های سازنده و عملکرد شخصی.

ابزارهای خود گزارش دهی در مقایسه با ابزارهای هوش هیجانی مبتنی بر عملکرد، حمایت روان‌سنجی بیشتری دریافت کرده‌اند و همچنین اجرای آنها ساده‌تر است. از سوی

1. Wong & Law
 2. Meta-Mood Scale
 3. Fernández-Berrocal, Extremera & Ramos
 4. López-Zafra, Pulido-Martos, Berrios, & Augusto-Landa
 5. Ferrándiz

اعتباریابی مقیاس هوش هیجانی ونگ و لاو \diamond ۱۴۳

دیگر، با توجه به ابزارهای گزارش دهی، مقیاس هوش هیجانی ونگ- لاو کوتاه تر است و ساختار چهار عاملی دارد که به نظر می رسد برای نشان دادن چارچوب هوش هیجانی سالووی و مایر (۱۹۹۰) قابل اعتمادتر باشد (کاروالهو و همکاران، ۲۰۱۶^۱). نمرات مقیاس هوش هیجانی ونگ- لاو ابتدا با استفاده از نمونه بزرگی از سرپرستان و مدیران چینی تأیید شد (ونگ و لاو، ۲۰۰۲). اعتبار پیش بینی کننده، با رضایت از زندگی (فوکودا و همکاران، ۲۰۱۱^۲؛ لاو و همکاران، ۲۰۰۴^۳) و اعتبار افتراقی با پنج عامل ابعاد شخصیت (لاو و همکاران، ۲۰۰۴^۴؛ ونگ و لاو، ۲۰۰۲) گزارش شده است. از زمان پیدایش مقیاس هوش هیجانی ونگ- لاو، علاقه زیادی به استفاده از این مقیاس در کشورهای مختلف وجود داشته است. مقیاس هوش هیجانی ونگ- لاو در آسیای شرقی طراحی شد؛ اما در سالهای اخیر در کشورهایی مختلفی از جمله: ایالات متحده (ویتمن و همکاران، ۲۰۰۹^۵)، ترکیه (گلریوز و همکاران، ۲۰۰۸^۶)، یونان (کافسیوس و زامپتاکیس، ۲۰۰۸^۷)، تایوان (وانگ و هوانگ، ۲۰۰۹^۸)، ایتالیا (الیستو و فینو، ۲۰۱۷^۹)، بلژیک (لیبرشت و همکاران، ۲۰۱۰^{۱۰})، ژاپن (فوکودا و همکاران، ۲۰۱۱^{۱۱})، کانادا (کاوشال و کوانتس، ۲۰۰۶^{۱۲})، کره جنوبی (کیم و همکاران، ۲۰۰۹^{۱۳})، باربادوس (دوونیش و گرینچ، ۲۰۱۰^{۱۴})، نیجریه (سالمی، ۲۰۰۹^{۱۵}) و انگلستان (لیندباوم و کارتایت، ۲۰۱۰^{۱۶}) استفاده شده است؛ بنابر این مطالعات، معادل سازی اندازه گیری نمرات هوش هیجانی در سراسر جهان و در گروههای مختلف قومی و جنسیتی تأیید شده است. (ویتمن و همکاران، ۲۰۰۹)

نکته قابل تأمل در بحث سنجش سازه ها، مناسب بودن ابزارهای اندازه گیری روان سنجی در خارج از مناطق مبدا آنهاست که می تواند سؤال برانگیز باشد. به نظر بسیاری از کارشناسان، اعتبار فرهنگی این مقیاسها در خارج از فرهنگ مبدا، سؤال برانگیز است و تلاش می شود مقیاسها با معیارهای بومی هر سازه در جوامع مختلف هنجار شوند. (آفلاپی، ۲۰۱۷^{۱۷})

1. Carvalho, Guerrero, Chambel & González-Rico
2. Fukuda, Saklofske, Tamaoka, Fung, Mavaoka & Kiyama
3. Law, Wong & Song
4. Whitman, Van Rooy, Viswesvaran & Kraus
5. Gülerüz, Güney, Aydın & Aşan
6. Kafetsios & Zampetakis
7. Wang & Huang
8. Iliceto & Fino
9. Libbrecht, Lievens & Schollaert
10. Kaushal & Kwantes
11. Kim, Cable, Kim & Wang
12. Devonish & Greenidge
13. Salami
14. Lindebaum & Cartwright
15. Afolabi

با وجود انجام مطالعات فراوان در زمینه اعتباریابی مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو، اما تا کنون اعتبار و پایایی این مقیاس در نمونه بزرگی از جمعیت ایرانی بررسی نشده است. ما برای ضرورت اعتباریابی این مقیاس در جامعه ایرانی، دلایلی را در نظر داشتیم. همان طور که پیش تر بیان شد، در چندین نمونه و مطالعه در کشورهای مختلف، تحقیقات نشان داده است که مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو دارای ساختار عاملی مطلوب و قابلیت اطمینان امیدوارکننده است (لاو و همکاران، ۲۰۰۴). بر خلاف ابزارهای ترکیبی هوش هیجانی خودگزارش دهی، مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو مبتنی بر مفهوم هوش هیجانی به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌های عاطفی اساسی است (ونگ و لاو، ۲۰۰۲). اگرچه معیارهای هوش هیجانی مبتنی بر توانایی مفید و قابل اعتمادند، اما برخی از ابزارها مانند آزمون هوش هیجانی مایر-سالووی-کاروسو شامل ۱۴۱ گویه است که تقریباً به ۴۵ دقیقه برای تکمیل نیاز دارد؛ در حالی که مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو تنها ۱۶ گویه کوتاه دارد (دو بعد آن هوش هیجانی و دو بعد دیگر آن تنظیم هیجانی را ارزیابی می‌کند) و ممکن است با توجه به زمان کوتاه تر برای پاسخگویی و این نکته که شرایط تحقیق به کنترل بیشتری برای محدودیت‌های عملی مانند محدودیت صبر یا دامنه توجه شرکت کنندگان در تحقیق نیاز دارد یا حتی در محیط‌های حرفه‌ای که مدت زمان آزمون در آنها امری حیاتی است، کاربردی تر باشد. همچنین ترجمه فارسی مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو، این امکان را به محققان در زمینه هوش هیجانی می‌دهد تا تفاوت‌های بین ساختار اندازه‌گیری شده توسط مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو و سایر ابزارهای مهم هوش هیجانی را که قبلاً در زمینه ایرانی اعتباریابی شده‌اند، بررسی کنند و از درک بهتر ساختار حمایت می‌کند؛ بنابر این، در مطالعه پیش رو، با توجه به اینکه مقیاس سنجش هوش هیجانی ونگ-لاو تا کنون در جامعه ایرانی اندازه‌گیری و سنجش نشده است، سؤال پژوهش این است که آیا مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو در جامعه ایرانی از روایی و پایایی مناسب برخوردار است؟

(ب) روش

روش پژوهش، تحلیل عاملی است. جامعه پژوهش حاضر، شامل دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و پیام‌نور شهرستان مشهد بود. نمونه ابتدایی شامل ۶۸۳ دانشجو از دو دانشگاه مذکور در شهرستان مشهد بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چهار مرحله‌ای، در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ انجام شد. پس از حذف تعداد آزمودنی‌هایی که داده‌های گمشده داشتند (۲۰ نفر)، حجم نمونه نهایی به ۶۶۳ نفر رسید. چهار مرحله به این صورت بود که از

بین شش دانشگاه، دو دانشگاه و از هر دانشگاه، یک دانشکده (به ترتیب مهندسی و علوم انسانی) به صورت تصادفی انتخاب شد؛ سپس از هر دانشکده، دو گروه آموزشی و از هر گروه، چهار کلاس در سه مقطع (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) انتخاب شدند. نظرسنجی نیز به صورت برخط تکمیل شد.

۱. مقیاس هوش هیجانی ونگ و لاو^۱

این ابزار یک مقیاس خود گزارشگری سنجش توانایی‌های هوش هیجانی است که بر اساس نظریه‌ی مایر و سالووی (۱۹۹۷) توسط ونگ و لاو (۲۰۰۲) ساخته شده است. این مقیاس دارای ۱۶ گویه است و به چهار مؤلفه‌ی ارزیابی هیجان‌های شخصی^۲ (سؤالات ۱ تا ۴)، ارزیابی هیجان‌های دیگران^۳ (سؤالات ۵ تا ۸)، تنظیم هیجان‌های^۴ (سؤالات ۹ تا ۱۲) و کاربرد هیجان‌های^۵ (سؤالات ۱۳ تا ۱۶)، تقسیم و هر مؤلفه با چهار سؤال سنجش می‌شود. سؤالات این مقیاس دارای طیفی هفت درجه‌ای از نمره‌ی یک (کاملاً مخالفم) تا هفت (کاملاً موافقم) می‌باشد. ضریب پایایی این چهار مؤلفه بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۰ متغیر است (ونگ و لاو، ۲۰۰۲). ادبیات مطالعات خارجی، حاکی از اعتبار همگرایی مقیاس با سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی و همچنین بهزیستی و رضایت از زندگی است (پرادو و تورز، ۲۰۱۹).^۶ از سوی دیگر، نمرات این مقیاس با متغیرهای آسیب‌های روان‌شناختی، مانند افسردگی، احساس تنهایی و استرس، واگرایی دارند. (ونگ و همکاران، ۲۰۰۷)

۲. مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف^۷

این مقیاس توسط ریف در سال ۱۹۸۹ ساخته شد و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس دارای شش عامل استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود می‌باشد. همچنین مجموع نمرات این شش عامل، به عنوان نمره‌ی کلی بهزیستی روان‌شناختی محاسبه می‌شود. این آزمون در یک پیوستار شش درجه‌ای از نمره‌ی یک (کاملاً مخالفم) تا شش (کاملاً موافقم) پاسخ داده می‌شود. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی اصلی، مطلوب گزارش شده است (ریف و سینگر، ۲۰۰۲). همچنین این نسخه توسط خانجانی و همکاران (۱۳۹۳) در ایران روی نمونه‌ی دانشجویی، هنجار شده و همسانی درونی مطلوبی با توجه به آلفای کرونباخ برای آن به دست آمده است. ضرایب به

1. Wong Law Emotional Intelligence Scale (WLEIS-16)
2. Self-Emotional Appraisal
3. Others' Emotional Appraisal
4. Regulation of Emotion
5. Use of Emotion
6. Prado & Torres
7. Ryff Psychological Well-being Scale (RPWS-18)

دست آمده برای عامل استقلال «۰/۷۲»، تسلط بر محیط «۰/۷۶»، رشد شخصی «۰/۷۳»، ارتباط مثبت با دیگران «۰/۷۵»، هدفمندی در زندگی «۰/۵۲»، پذیرش خود «۰/۵۱» و برای کل مقیاس، ۰/۷۱ است.

۳. سیاهه پنج عامل شخصیت^۱

نسخه فرم کوتاه پنج تایی بزرگ توسط رامستد و جان^۲ (۲۰۰۷) ساخته شده و دارای ۱۰ گویه است؛ به طوری که هر عامل شخصیتی با دو گویه سنجش می‌شود. ارزیابی گویه‌ها در طیفی از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ انجام می‌شود و پنج گویه نمره معکوس دارند (هر سؤال از یک بُعد). این پرسشنامه با نمونه‌هایی از دانش‌آموزان آمریکایی (۱۶۲۷ نفر) و دانش‌آموزان آلمانی (۸۳۳) تهیه و پایایی آن با استفاده از آزمون دوم پس از یک دوره شش تا هشت هفته‌ای، در هر دو فرهنگ بررسی شده است. همبستگی آزمون-بازآزمون بین ۰/۶۸ و ۰/۸۴ متغیر بود. میانگین ضرایب ثبات پس از آزمون دوم، ۰/۷۵ بود. (۰/۷۲ در نمونه آمریکایی و ۰/۷۸ در نمونه آلمانی)

این ابزار در ایران توسط علی‌بابایی و همکاران (بی‌تا) اعتباریابی شده و تمام شاخصهای برازندگی، تناسب مدل را تأیید کرده است. مقدار آلفای کرونباخ برای ابعاد برون‌گرایی، روان‌رنجوری، سازگاری، باوجدان بودن و گشودگی، به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۴، ۰/۸۱، ۰/۷۵ و ۰/۸۲ بود که مطلوب است.

۴. مقیاس کوتاه رفتارهای پرخطر جوانان^۳

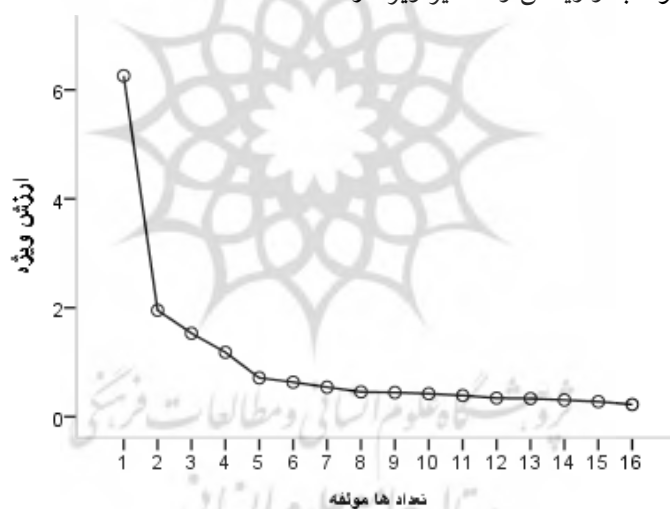
این مقیاس توسط شریفی فرد و همکاران (۲۰۲۲) طراحی و اعتباریابی شده است. این ابزار دارای ۱۴ سؤال با طیف لیکرت پنج درجه‌ای است که از کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵ نمره‌گذاری می‌شود. کمترین نمره، صفر و بیشترین نمره، ۵۶ است. نمره بالاتر، نشان‌دهنده رفتارهای پرخطر بیشتر است. شاخصهای برازش مدل مقیاس، مطلوب بود. آلفای کرونباخ برای ابعاد این ابزار، شامل گرایش به مواد ۰/۸۲، گرایش به الکل ۰/۸۰، گرایش به سیگار ۰/۸۵، گرایش به خشونت ۰/۷۱، گرایش به خودزنی ۰/۸۱، گرایش به رابطه جنسی خطرناک ۰/۷۲، گرایش به رانندگی خطرناک ۰/۷۷ و کل مقیاس رفتارهای پرخطر ۰/۸۲ به دست آمد. همچنین روایی همگرا با روان‌رنجوری و واگرا با رضایت از زندگی، مطلوب گزارش شد. (شریفی فرد و همکاران، ۲۰۲۲)

1. Big Five Inventory (BFI-10)
2. Rammstedt & John
3. Youth High-Risk Behaviors Short Scale (YHBSS-14)

ج) یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر شامل ۶۶۳ نفر، ۴۷۹ زن (۷۲ درصد) و ۱۸۴ مرد (۲۸ درصد) بود. میانگین سنی زنان ۲۲/۲۶ و میانگین سنی مردان ۲۳/۷۲ سال بود. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ۱۶ گویه‌ای هوش هیجانی ونگ-لاو (۲۰۰۲) بررسی شد که نتایج پایایی و روایی آن به شرح ذیل است.

بررسی روایی سازه تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی: تحلیل عاملی اکتشافی با ۱۶ گویه انجام شد. نتایج اولیه تحلیل مؤلفه‌های اصلی ابزار پژوهش نشان داد که همه گویه‌ها دارای بار عاملی مناسب‌اند و گویه‌ای از پرسشنامه حذف نشد. بر این اساس، مقدار کفایت نمونه‌گیری کایر-میر-الکین ($KMO = 0/89$) و آزمون کرویت بارتلت^۱ ($5277/81$) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار به دست آمد. در ادامه، نمودار آزمون صخره مربوط به تحلیل عاملی و داده‌های مربوط به واریانس و مقادیر ویژه ارائه شد.



نمودار ۱: نمودار سنگریزه در تحلیل عاملی

همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، بارهای عاملی روی چهار عامل، بار بیشتری دارد و از عامل پنجم، افت در نمودار قابل توجه نیست.

1. Kaiser-Meyer- Oklin
2. Bartlett's test of sphericity

جدول ۱: تبیین واریانس کلی برای مقیاس هوش هیجانی

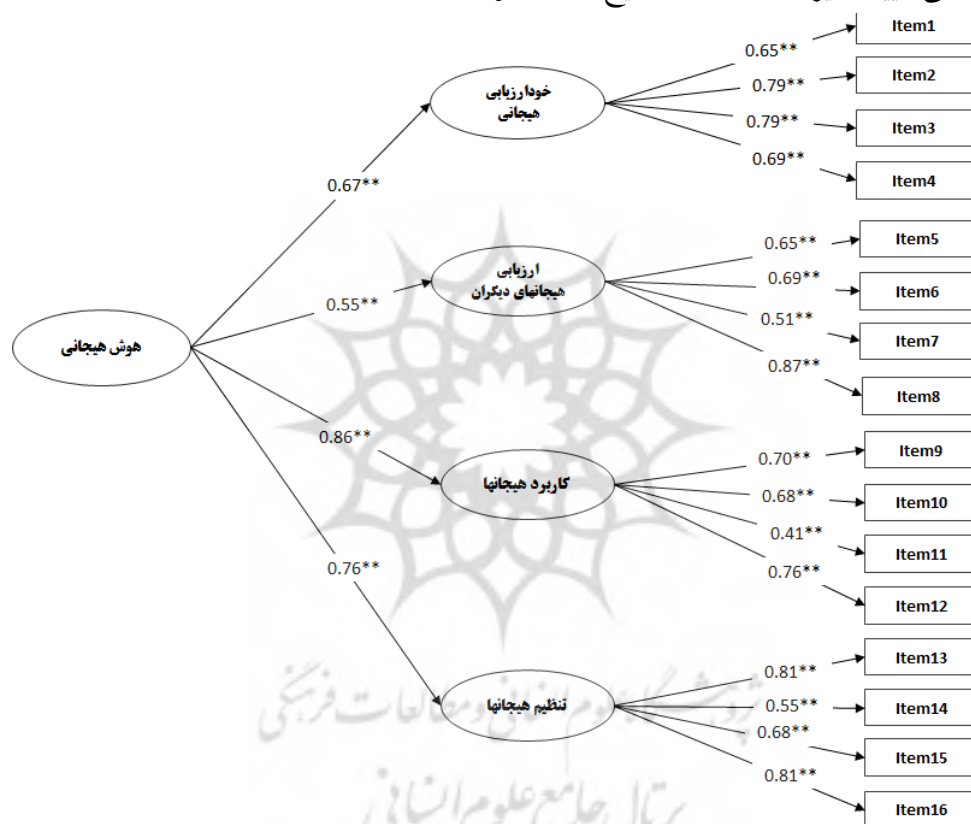
عاملها	ارزش ویژه	واریانس	واریانس تراکمی
عامل ۱	۶/۲۵	۳۹/۱۱	۳۹/۱۱
عامل ۲	۱/۹۵	۱۲/۲۰	۵۱/۳۲
عامل ۳	۱/۵۲	۹/۵۷	۶۰/۸۹
عامل ۴	۱/۱۸	۷/۳۸	۶۸/۲۸

تحلیل عامل اکتشافی به صورت تحلیل مؤلفه‌های اصلی با روش واریانس روی ۱۶ گویه مقیاس انجام شد. برای تعیین تعداد عاملها از ملاک ارزشهای ویژه بالاتر از یک استفاده شد. با توجه به داده‌های جدول ۱، نتایج نشان داد که در این مقیاس، چهار عامل قابل تعریف وجود دارد که به طور کلی حدود ۶۸ درصد از واریانس سازه هوش هیجانی را تبیین می‌کنند.

جدول ۲: ساختار عاملها و بارگذاری موارد مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو (۲۰۰۲)

سؤالات	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
۱. من از اینکه اکثر زمانها احساسات خاصی دارم، حس خوشایندی دارم.	۰/۶۷			
۲. من همیشه به احساسات دوستانم از طریق رفتارهایشان پی می‌برم.	۰/۷۹			
۳. من همیشه خودم اهدافم را تنظیم می‌کنم و سپس سعی می‌کنم به بهترین شکل برای دستیابی به آنها تلاش کنم.	۰/۸۲			
۴. من قادر هستم روحیاتم را به خوبی کنترل کنم و عواطفم را به‌طور عقلانی اداره کنم.	۰/۷۲			
۵. من درک خوبی از عواطف و احساسات خودم دارم.		۰/۶۰		
۶. من مشاهده‌گر خوبی برای عواطف دیگران هستم.		۰/۷۷		
۷. من همیشه به خودم می‌گویم که شخصی شایسته هستم.		۰/۷۵		
۸. من کاملاً توانایی و ظرفیت کنترل عواطفم را دارم.		۰/۷۸		
۹. من واقعاً درک می‌کنم و می‌فهمم چیزی را که احساس می‌کنم.			۰/۶۸	
۱۰. من نسبت به احساسات و عواطف دیگران خیلی حساس هستم.			۰/۷۴	
۱۱. من یک شخص خودانگیخته هستم (بدون وجود عاملی محرک یا بیرونی انگیزه فعالیت دارم).			۰/۷۹	
۱۲. من موقعی که عصبانی می‌شوم می‌توانم خیلی سریع آرام شوم.		۸۱		
۱۳. من همیشه می‌دانم که خوشحال هستم یا نه.			۰/۷۱	
۱۴. من درک خوبی از عواطف افراد پیرامونم دارم.			۰/۸۰	
۱۵. من همیشه خودم را برای تلاش جهت بهترین شدن تشویق می‌کنم.			۰/۸۲	
۱۶. من کنترل خوبی بر روی عواطفم دارم.			۰/۸۶	

بر اساس داده‌های جدول ۲، گویه‌های شماره ۱ تا ۴ روی عامل اول (ارزیابی هیجانان خود)، گویه‌های شماره ۵ تا ۸ روی عامل دوم (ارزیابی هیجانان دیگری)، گویه‌های شماره ۹ تا ۱۲ روی عامل سوم (به‌کارگیری هیجانها) و گویه‌های شماره ۱۳ تا ۱۶ روی عامل چهارم (تنظیم هیجانها) بارگذاری شدند. برای تأیید ارتباط سؤالات با سازه اصلی، از تحلیل عاملی تأییدی نیز استفاده شد که نتایج آن در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۲: نتایج تحلیل عاملی تأییدی مقیاس هوش هیجانی ونگ- لاو ($P < 0.01$)

یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی، نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس مبنی بر چهار عاملی بودن مقیاس هوش هیجانی ونگ- لاو را تأیید می‌کند و مدل به دست آمده با داده‌های پژوهش برازش مناسبی دارد. بر اساس نتایج، چهار عامل تشکیل دهنده (خودارزیابی هیجان، ارزیابی هیجان دیگران، کاربرد هیجانها و تنظیم هیجانها) با سؤالات، بار عاملی مناسب دارند. علاوه بر این، مقدار شاخص RMSEA به دست آمده، نشان‌دهنده برازش

مناسب مدل است. چون این شاخص پایین تر از ۰/۰۸ و مقدار p-value در سطح ۰/۰۵ معنادار است، برازش مدل تأیید می شود. سایر شاخصهای برازش مدل نیز محاسبه شدند که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: مشخصه‌های نیکویی برازندگی مدل تحلیل عاملی تأییدی مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو

RMSEA	IFI	CFI	GFI	χ^2/df
۰/۰۴۳	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۳	۲/۲۰

با توجه به مشخصه‌های نیکویی برازندگی گزارش شده در جدول ۳، مشاهده می شود مقادیر مربوط به سایر شاخصهای برازندگی نیز برازش مدل را تأیید می کنند. برای بررسی روایی همگرا، از رابطه میان نمره مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو با نمره مقیاس بهزیستی روان شناختی و ویژگی های شخصیتی سازگاری و برون گرایی و برای بررسی روایی واگرا با ویژگی شخصی روان رنجوری و رفتارهای پرخطر استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: ضریب همبستگی مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو با بهزیستی روان شناختی، ویژگی های شخصی و رفتارهای پرخطر ($P < ۰/۰۵$ ، $P < ۰/۰۱$)

متغیرها	سازگاری	برون گرایی	روان رنجوری	بهزیستی	رفتارهای پرخطر
خودارزیابی هیجان	۰/۳۸**	۰/۲۷**	-۰/۴۴**	۰/۴۳**	-۰/۳۷**
ارزیابی هیجان دیگران	۰/۲۳**	۰/۴۵**	-۰/۳۶**	۰/۲۶**	-۰/۲۴**
کاربرد هیجانان	۰/۳۷**	۰/۴۷**	-۰/۳۰**	۰/۴۶**	-۰/۳۶**
تنظیم هیجان	۰/۲۹**	۰/۳۱**	-۰/۵۱**	۰/۴۸**	-۰/۵۲**
نمره کل هوش هیجانی	۰/۴۱**	۰/۳۹**	-۰/۴۷**	۰/۵۴**	-۰/۴۵**

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که ضریب همبستگی بین نمره کلی هوش هیجانی و ابعاد آن با سازگاری، برون گرایی و بهزیستی، مثبت و معنادار است ($p < ۰/۰۱$). بدین ترتیب، مقیاس حاضر از روایی همگرای مناسبی برخوردار است. همچنین نتایج نشان می دهد ضریب همبستگی بین نمره کلی هوش هیجانی و ابعاد آن با روان رنجوری و رفتارهای پرخطر، منفی و معنادار است ($p < ۰/۰۱$) و این نتایج نشان از روایی واگرای مقیاس هوش هیجانی دارد. در ادامه، پایایی مقیاس به شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) و بازآزمایی محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: پایایی کل مقیاس هوش هیجانی و ابعاد آن به روش آلفای کرونباخ ($P < ۰/۰۱$)

ابعاد	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
خودارزیابی هیجان	۴	۰/۸۱

اعتباریابی مقیاس هوش هیجانی ونگ و لادو ♦ ۱۵۱

۰/۷۶	۴	ارزیابی هیجان دیگران
۰/۸۵	۴	کاربرد هیجانات
۰/۸۸	۴	تنظیم هیجان
۰/۹۰	۱۶	نمره کل هوش هیجانی

بر اساس نتایج جدول ۵، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس هوش هیجانی، ۰/۹۰ و برای مؤلفه‌های خودارزیابی هیجان، ارزیابی هیجانات دیگران، کاربرد هیجانات و تنظیم هیجان، به ترتیب: ۰/۸۱، ۰/۷۶، ۰/۸۵ و ۰/۸۸ به دست آمده است که نشان می‌دهد مقیاس حاضر از پایایی مناسبی برخوردار است. در ادامه، میانگین و انحراف معیار برای هر یک از ابعاد و کل آزمون در زنان و مردان به صورت جداگانه محاسبه شد که در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. میانگین، انحراف معیار، هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در زنان و مردان

شاخصها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی	پی
خودارزیابی هیجان	مرد	۱۸۴	۱۷/۵۱	۴/۵۵		
	زن	۴۷۹	۱۸/۰۵	۴/۵۳	-۱/۳۸	۰/۱۶۸
	کل	۶۶۳	۱۷/۹۰	۴/۵۴		
ارزیابی هیجانات دیگران	مرد	۱۸۴	۱۷/۵۲	۴/۱۸		
	زن	۴۷۹	۱۸/۷۸	۳/۹۲	-۳/۶۶	۰/۰۰۱
	کل	۶۶۳	۱۸/۴۳	۴/۰۳		
کاربرد هیجان	مرد	۱۸۴	۱۷/۳۹	۵/۰۷		
	زن	۴۷۹	۱۷/۳۷	۵/۵۶	۰/۰۴	۰/۹۶۳
	کل	۶۶۳	۱۷/۳۸	۵/۴۱		
تنظیم هیجان	مرد	۱۸۴	۱۶/۴۸	۵/۱۳		
	زن	۴۷۹	۱۶/۰۰	۵/۴۴	۱/۰۲	۰/۳۰۸
	کل	۶۶۳	۱۶/۱۳	۵/۴۳		
کل هوش هیجانی	مرد	۱۸۴	۶۸/۹۱	۱۴/۴۸		
	زن	۴۷۹	۷۰/۲۲	۱۴/۸۳	-۱/۰۲	۰/۳۰۶
	کل	۶۶۳	۶۹/۸۵	۱۴/۷۳		

نتایج جدول ۶، میانگین و انحراف معیار مقیاس هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن را در زنان و مردان نشان می‌دهد. طبق نتایج، در مؤلفه ارزیابی هیجانات دیگران، در مردان و زنان، تفاوت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۱$) و میزان میانگین‌ها نشان می‌دهد که ارزیابی هیجانات

دیگران، در زنان بالاتر از مردان است؛ اما تفاوت معناداری در نمره کلی مقیاس هوش هیجانی و دیگر مؤلفه‌ها در زنان و مردان وجود ندارد.

د) بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به منظور اعتبارسنجی و بررسی پایایی و روایی ابزار هوش هیجانی ونگ-لاو (۲۰۰۲) انجام شد. نتایج به دست آمده از بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو نشان داد که این مقیاس در جامعه دانشجویان ایرانی روا و پایاست و با مطالعات دیگران نیز همسو است (کاروالهو و همکاران، ۲۰۱۶؛ القودانی و همکاران،^۱ ۲۰۱۸؛ فوکودا و همکاران، ۲۰۱۱)

ساختار داخلی با استفاده از چندین روش، تجزیه و تحلیل شد و نتایج با آنچه ابتدا پیش‌بینی شده بود، مطابقت داشت؛ یعنی چهار بُعد مجزا و ۱۶ گویه برای ارزیابی هوش هیجانی. از این رو، تحلیل‌های توصیفی و ویژگی‌های گویه‌ها تأیید می‌کنند که هر آیت‌م برای اندازه‌گیری هوش هیجانی مهم است. همان‌طور که در مقیاس اصلی، تجزیه و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی مقیاس هوش هیجانی ونگ-لاو ساختاری چهار عاملی را تأیید می‌کند، یافته‌های پژوهش حاضر نیز این یافته را همسو با دیگر تحقیقات انجام شده تأیید کرد. (کاروالهو و همکاران، ۲۰۱۶؛ القودانی و همکاران، ۲۰۱۸؛ فوکودا و همکاران، ۲۰۱۱؛ الیستو و فینو، ۲۰۱۷)

تجزیه و تحلیل همبستگی، ارتباط بین نمره کلی هوش هیجانی و ابعاد آن را با رفتارهای پرخطر نشان داد؛ که با تحقیقات قبلی مطابقت دارد. (ریورز و همکاران،^۲ ۲۰۱۳؛ باومیستر و اسشر،^۳ ۱۹۸۸؛ کوالتر و همکاران،^۴ ۲۰۰۷)

نظریه هوش هیجانی فرض می‌کند که مهارت‌های هیجانی با ارائه راهکارهایی به افراد برای درک، استفاده و مدیریت هیجان به روشهایی که رشد شخصی و روابط بین فردی سالم را ارتقا می‌دهند، نقش مهمی در فرایندهای خودتنظیمی ایفا می‌کنند (مایر و سالووی، ۱۹۹۷؛ سالووی و مایر، ۱۹۹۰). از طرفی، هوش هیجانی با فعالیتهای منعکس‌کننده رفتارهای ناکارآمد تنظیم نشده، از جمله درگیری با بهترین دوستان، پرخاشگری کلامی و دزدی آشکار، ارتباط منفی دارد. این یافته‌ها با تحقیقاتی که نشان می‌دهد افراد زمانی که خلق و خوی منفی آنان تنظیم نشده است، بیشتر درگیر رفتارهای مخاطره‌آمیزند، مطابقت دارد (باومیستر و اسشر، ۱۹۸۸). هنگامی که افراد خلق و خوی منفی دارند، با وجود خطرات بلندمدت، احتمالاً با مزایایی که

1. El Ghoudani, Pulido-Martos & Lopez-Zafra
2. Rivers, Brackett, Omori, Sickler, Bertoli & Salovey
3. Baumeister & Scher
4. Qualter, Gardner & Whiteley

در کوتاه مدت حاصل می شود، متقاعد می شوند (همان). انواع رفتارهای ناسازگار مانند مصرف مواد، رابطه جنسی محافظت نشده، بزهکاری و رفتارهای پرخطر، در نتیجه تصمیماتی رخ می دهند که نحت شرایط کمتر از حد مطلوب، مانند پریشانی عاطفی اتخاذ می شوند. محققان به این نتیجه رسیدند که افراد با هوش هیجانی بالا و توانایی خودکنترلی و مدیریت هیجانی، امکان تصمیم گیری بهتری در مواجهه با رفتارهای پرخطر و مقابله با عوامل محیطی استرس زا دارند و در نتیجه، احتمال درگیر شدن آنها در رفتارهای پرخطر کاهش می یابد. این یافته ها، به ادبیاتی کمک می کنند که نشان می دهد هوش هیجانی ممکن است مهارتها و راهبردهای لازم را برای مقاومت در برابر رفتارهای مخاطره آمیز به جوانان دانشگاهی ارائه دهد (ریورز و همکاران، ۲۰۰۸؛ محمودی و نجفی، ۱۳۹۱). دانشجویان دانشگاهی با هوش هیجانی بالاتر نسبت به افرادی که هوش هیجانی پایین تری دارند، تمایل به بهبود عملکرد روانی - اجتماعی، از جمله ایجاد شبکه های حمایتی قوی تر، روابط مثبت تر، عملکرد تحصیلی بهتر و مهارتهای تصمیم گیری سازگارتر دارند (لوپس و همکاران، ۲۰۰۵). به نظر می رسد وجود این شبکه های حمایتی می تواند موجب مقابله مؤثرتر در برابر شرایط محیطی استرس زا و رفتارهای پرخطر شود.

تجزیه و تحلیل همبستگی، ارتباط بین نمره کلی هوش هیجانی و ابعاد آن را با ویژگی شخصیتی روان رنجوری نشان داد؛ که با تحقیقات قبلی مطابقت دارد. (آتوتا و همکاران، ۲۰۰۹؛ پتریدس^۴ و همکاران ۲۰۱۰؛ برانیک^۵ و همکاران، ۲۰۰۹)

ارتباط روان رنجورخویی با هوش هیجانی را می توان بر اساس ویژگی های تنظیم خلق منفی توجیه کرد. روان رنجورخویی نشان دهنده تمایل به تجربه هیجان منفی و داشتن ویژگی های رفتاری و شناختی مرتبط با روان رنجوری است. این عامل به صورت منفی (روان رنجورخویی) به سمت سازگاری خلقی عمل می کند که با تنظیم خلق به عنوان عامل اصلی هوش هیجانی مرتبط است (بار-آن، ۱۹۹۷). از سوی دیگر، بار-آن (۲۰۰۵) هوش هیجانی را مدیریت مؤثر تغییرات شخصی، اجتماعی و محیطی با رویارویی واقع بینانه و انعطاف پذیر با موقعیت فوری، حل مشکل و تصمیم گیری می داند. فرد از نظر عاطفی کارآمد و پایدار، باید در نیمرخ روان رنجوری پایین باشد که تمایل به تجربه احساسات منفی و

1. Rivers, Reyna & Mills
2. Lopes, Salovey, Côté & Beers
3. Athota, O'connor & Jackson
4. Petrides
5. Brannick

فرایندهای مرتبط در پاسخ به تهدید و تنبیه درک شده را توصیف می‌کند. این عوامل عبارتند از: اضطراب، افسردگی، خشم و کم‌رویی. از جمله ویژگی‌هایی که این بعد را طبقه‌بندی می‌کنند، می‌توان به ترس، تحریک‌پذیری، عزت نفس پایین، اضطراب اجتماعی، بازداری ضعیف از تکانه‌ها و درماندگی اشاره کرد (کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۸). با توجه به آنچه ذکر شد، روان‌رنجورخویی و هوش هیجانی هر دو در تضاد با یکدیگرند؛ بنابراین، یافته‌های فعلی به طور منطقی قابل درک‌اند.

تجزیه و تحلیل همبستگی، ارتباط بین نمره کلی هوش هیجانی و ابعاد آن را با بهزیستی روان‌شناختی نشان داد؛ که با تحقیقات قبلی مطابقت دارد. (اخوان تفتی و مفردنژاد، ۱۳۹۷؛ بوستامان و همکاران، ۲۰۱۹^۲؛ پرادو گاسکو و همکاران، ۲۰۱۸^۳؛ انگلیش و همکاران، ۲۰۱۷^۴؛ دارنجانی و همکاران، ۱۳۹۱) افرادی که می‌توانند وضعیت هیجانی خود را تنظیم کنند، می‌دانند چه موقع و چگونه هیجانات خود را بیان کنند و قدرت سازگاری بیشتری با موقعیتهای اجتماعی دارند و بهزیستی روان‌شناختی بالاتری را گزارش می‌کنند. بنابراین، شبکه روابط نسبتاً پایداری که افراد با دیگران تشکیل می‌دهند، می‌تواند به عنوان منبع حمایت اجتماعی برای آنان در نظر گرفته شود. در نتیجه می‌توان گفت مهارتهای اجتماعی خوب با به دست آوردن حمایت‌های اجتماعی مرتبط است و این خود بیانگر ارتباط هوش هیجانی با بهزیستی روان‌شناختی است (وانگ، ۲۰۱۶). افراد با هوش هیجانی بالا در ارزیابی و ابراز هیجانات خود و تجزیه و تحلیل و شناخت هیجانات دیگران از قابلیت بالایی برخوردارند و اطلاعات هیجانی را در جهت تفکر و عمل مناسب به کار می‌گیرند، احساس رضایت از زندگی بیشتری نیز دارند که یکی از مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی است. همچنین افرادی که از عواطف خود آگاه‌اند، توانایی‌هایی را برای مدیریت مشکلات عاطفی و حفظ یا افزایش عواطف مثبت و کاهش یا حذف عواطف منفی تجربه می‌کنند که منجر به استقلال فرد و ظرفیت او برای مقاومت در برابر فشار اجتماعی می‌شود.

متیوز و همکاران (۲۰۰۲) ادعا کردند که هوش هیجانی پایین یک دلیل اساسی برای توسعه آسیب‌های روانی مختلف است. افراد با هوش هیجانی بالا عواطف خود را به شیوه‌ای معنادار بیان می‌کنند؛ بنابراین، پاسخ مثبتی از سوی جامعه و اطرافیان خود دریافت می‌کنند که باعث رشد و ارتقای اعتماد به نفس افراد می‌شود و خودانگاره آنان را تقویت می‌کند. افراد با هوش

-
1. Costa & McCrae
 2. Bustamante, Barco, Tosina, Ramos & Lazaro
 3. Prado Gasco, Villanueva & Gorriz Plumed
 4. English, Lee, John & Gross

هیجانی بالا، نگرشی خوش بینانه نسبت به خود و جامعه دارند. آنها از نیازهای خود آگاه‌اند و می‌دانند چگونه می‌توانند نیازهای خود را هوشمندانه و بدون نقض حقوق دیگران برآورده کنند. آنها می‌دانند که چگونه احساسات خود را در موقعیتهای مختلف ناراحت کننده و مشکل دار مدیریت کنند. افراد با هوش هیجانی، الگوهای زندگی انعطاف پذیری را اتخاذ می‌کنند که از فرد در برابر احساس شکست، غفلت و ابتلا به افسردگی محافظت می‌کند. یک زنجیره ساختاری پلکانی بین هوش هیجانی و موفقیت در زندگی وجود دارد. هوش هیجانی بالا فرد را به سمت دریافت حس مثبت از خود هدایت می‌کند یا او را به سمت دستیابی و رشد سطح بالایی از عزت نفس سوق می‌دهد. افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، قاطع تر هستند و سختی‌ها را به طور مؤثرتر و هوشمندانه تر مدیریت می‌کنند که این عامل نیز می‌تواند منجر به عملکرد عالی و داشتن زندگی شاد شود.

تجزیه و تحلیل همبستگی، ارتباط بین نمره کلی هوش هیجانی و ابعاد آن را با ویژگی‌های شخصیتی سازگاری و برون گرایی نشان داد؛ که با تحقیقات قبلی مطابقت دارد. (آنتوتا و همکاران، ۲۰۰۹؛ پتریدس و همکاران، ۲۰۱۰؛ برانیک و همکاران، ۲۰۰۹)

ارتباط بین برون گرایی با هوش هیجانی را می‌توان بر اساس ویژگی‌های تنظیم خلق مثبت توجیه کرد. برون گرایی نشان دهنده تمایل به تجربه هیجان‌ات مثبت است. این عامل به صورت مثبت (برون گرایی) به سمت سازگاری خلقی عمل می‌کند که با تنظیم خلق به عنوان عامل اصلی هوش هیجانی مرتبط است (بار-آن، ۱۹۹۷). برون گرایی، تمایل فرد به تجربه لذت را افزایش می‌دهد و همچنین افراد را برای تجربه احساسات مثبت آماده می‌کند. این موقعیتهای می‌توانند به افراد کمک کنند تا توانایی بیشتری؛ به خصوص در تعاملات بین فردی و اجتماعی داشته باشند. از نظر عوامل اصلی هوش هیجانی، این صلاحیتها می‌توانند به سه طریق عمل کنند: از طریق تعدیل هیجان‌ات، کارایی هیجان‌ات و ارزیابی هیجان‌ات. هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی، سازه‌های مرتبط با یکدیگرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، ارتباط سازگاری با هوش هیجانی را می‌توان از نظر همپوشانی بین عوامل هوش هیجانی، از جمله: تعدیل هیجان و احساس، اعمال و کارایی هیجانها و ارزیابی آنها و ویژگی‌های جزئی مربوط به آنها توضیح داد. افراد با نمره بالا در مؤلفه سازگاری، به دیگران اعتماد و حسن نیت دارند؛ ساده و بی‌ریا می‌باشند؛ تملق و چاپلوسی را لازمه مهارت اجتماعی نمی‌دانند؛ در ابراز احساسات درونی خود مقاومت نمی‌کنند؛ فعالانه و به گونه‌ای سخاوتمندانه به منافع دیگران اهمیت می‌دهند؛ مشتاق کمک به افراد نیازمندند؛ پرخاشگری خود را مهار می‌کنند؛ افرادی فروتن و دارای اعتماد به نفس‌اند؛ برای رفع نیازهای دیگران

فعال‌اند و بر جنبه‌های انسانی سیاست‌های اجتماعی تأکید دارند (باریک و هانت، ۱۹۹۱؛ نقل از احمدی، ۱۳۹۱). به همین ترتیب، افراد با هوش هیجانی بالا احساس تکانشی و هیجانات آشفته را به خوبی تنظیم می‌کنند و حتی در اوضاع پرتنش نیز خونسرد، خویشتن‌دار و با متانت رفتار می‌کنند؛ قابل اطمینان‌اند و اشتباه‌های خود را قبول می‌کنند؛ احساسات و دیدگاه‌های دیگران را درک می‌کنند؛ به آسانی پاسخگوی تقاضای متفاوت‌اند و به سرعت می‌توانند تغییر کنند؛ پاسخ‌هایشان را با وضعیت انطباق می‌دهند و انعطاف‌پذیرند (کلمن، ۱۹۹۱؛ نقل از: احمدی، ۱۳۹۱). با توجه به آنچه ذکر شد، ویژگی‌های شخصیتی سازگاری و برون‌گرایی با هوش هیجانی مرتبط‌اند؛ بنابراین، یافته‌های فعلی به طور منطقی قابل درک می‌باشند.

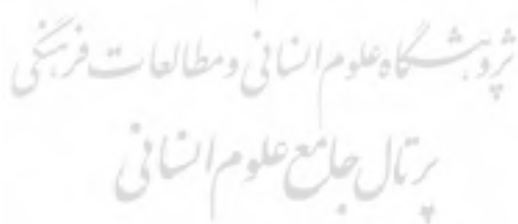
ادبیات پژوهش در خصوص تفاوت‌های جنسیتی به دست آمده از نمرات هوش بین دو جنس، یافته‌های متناقضی را گزارش می‌کند. برخی یافته‌ها حاکی از برتری زنان در نمرات هوش هیجانی بود (کاتال و آواستی، ۲۰۰۵^۱؛ سینگ، ۲۰۰۲^۲) و برخی نتایج نیز نشان می‌داد مردان در هوش هیجانی برترند (احمد و همکاران، ۲۰۰۹^۳). یافته‌های این پژوهش در مؤلفه ارزیابی هیجانات دیگران نشان داد در مردان و زنان، تفاوت معناداری وجود دارد و نمرات ارزیابی هیجانات دیگران در زنان، بالاتر از مردان است؛ اما تفاوت معناداری در نمره کلی مقیاس هوش هیجانی و دیگر مؤلفه‌ها در زنان و مردان وجود نداشت. این نتیجه، مطابق با یافته‌های قبلی بود که نشان دادند زنان از نظر بین فردی، حساس‌تر از مردان‌اند (ویتمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ هال و ماست، ۲۰۰۸^۴)؛ درک عاطفی بیشتری دارند (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۵^۵) و بیانگرتر می‌باشند و شایستگی‌های بین فردی بیشتری نشان می‌دهند. (هارگی و همکاران، ۱۹۹۵^۶)

دان^۷ (۲۰۰۲) مشاهده کرد که دختران از نظر همدلی، مسئولیت‌های اجتماعی و روابط بین فردی، امتیاز بیشتری نسبت به پسران دارند. با این حال، نتایج هیچ تفاوتی را در نمره کلی این مقیاس و ابعاد دیگر نشان نداد. این نتیجه ممکن است به استدلال ارائه‌شده توسط گولمن (۱۹۹۵) مرتبط باشد؛ یعنی اینکه مردان و زنان پروفایل‌های شخصی خود را در هوش هیجانی دارند.

-
1. Katyal & Awasthi
 2. Singh
 3. Ahmad, Bangash & Khan
 4. Hall & Mast
 5. Ciarrochi, Hynes & Crittenden
 6. Hargie, Saunders & Dickson
 7. Dunn

تبیین دیگر این است که محیط دانشگاهی نیز می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در نتیجه به دست آمده ناشی از عدم معناداری تفاوت هوش هیجانی بین دو جنس، نقش داشته باشد؛ زیرا این محیط، محل تبادل تجارب انسانی نیز به حساب می‌آید. پژوهشهایی نیز این یافته را که تفاوت قابل توجهی در نمرات هوش هیجانی در دو جنس وجود نداشت، پشتیبانی کرده‌اند (پراون و شوته، ۲۰۰۶؛ دنیس، ۲۰۰۹). علاوه بر این، عوامل مؤثر دیگری نیز مانند قومیت، فرهنگ و سطح اجتماعی-اقتصادی باید بررسی شوند تا سازوکارهایی که جنسیت بر توسعه هوش هیجانی تأثیر می‌گذارد، روشن شود.

پژوهش پیش رو دارای محدودیتهایی بود. نمونه صرفاً دانشجوی و از تعداد محدودی دانشگاه بود. همچنین نمونه شامل دانشجویان بود که معرف کامل جمعیت ایرانی نبود. از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهشهای آینده با نمونه‌های غیر دانشجویی و حجم نمونه بزرگ انجام شود؛ بنابر این، مقاطع تحصیلی و رده‌های سنی دیگر مانند نوجوانان دبیرستانی می‌توانند نمونه مطالعات آینده باشند.



منابع

- احمدی، محمدسعید (۱۳۹۱). «رابطه بین ویژگی‌های پنج عاملی شخصیتی و هوش هیجانی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی میانه». دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۲(۴۸): ۴۵-۵۵.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=174703>
- اخوان تفتی، مهناز و ناهید مفردنژاد (۱۳۹۷). «ارتباط هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی در سالمندان». سالمند، ش ۱۳(۳): ۳۳۴-۳۴۵.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=306094>
- خانجانی، مهدی؛ شهریار شهیدی، جلیل فتح‌آبادی، محمدعلی مظاهری و امید شکری (۱۳۹۳). «ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه (۱۸ سؤالی) مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان دختر و پسر». اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، ش ۹(۳۲): ۲۷-۳۶.
- دارنجانی، فاطمه؛ نادره سهرابی و محمد خیر (۱۳۹۱). «نقش واسطه‌گری سبک‌های مقابله‌ای در رابطه هوش هیجانی با رضایت از زندگی در زنان دارای مشکلات خانوادگی». روشها و مدل‌های روان‌شناختی، ش ۲(۹): ۹۱-۱۱۲.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=213758>
- علی‌بابایی، گلناز؛ فرناز محسنی، مریم عبدالهی مقدم، محمود پرچی و صغری رضانی (بی‌تا). «بررسی و انطباق ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه پنج تایی بزرگ (فرم ۱۰ سؤالی)». [منتشر نشده].
- محمودی، مسعود و فیروز نجفی (۱۳۹۱). «بررسی اثر آموزش هوش هیجانی بر مهارت‌های ارتباطی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد». روشها و مدل‌های روان‌شناختی، ش ۲(۸): ۳۳-۵۱.
<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=213805>
- Ahmadi, Mohammad Saeed (2011). "Relationship between five personality factors and emotional intelligence in male and female students of Mianeh Islamic Azad University". Knowledge and research in applied psychology, Vol. 2(48): 45-55. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=174703>
- Akhavane Tafti, Mahnaz and Nahid mofradnezhad (2017). "The relationship between emotional intelligence and social skills with psychological well-being in the elderly". Elderly, Vol. 13(3): 345-334. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=306094>
- Khanjani, Mehdi and others (2013). "Factor structure and psychometric properties of the short form (18 questions) of RIF psychological well-being scale in male and female students". Thought and behavior in clinical psychology, no. 9(32): 36-27.

- Daranjani, Fatemeh; Nadereh Sohrabi and Mohammad Khayyer (2012). **"The mediating role of coping styles in the relationship between emotional intelligence and life satisfaction in women with family problems"**. *Psychological methods and models*, vol. 2(9): 91-112. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=213758>
- Alibabai, Golnaz and others (N.D.). **"Examination and adaptation of the psychometric properties of the Big Five list (10-question form)"**. [Unpublished].
- Mahmoudi, Masoud and Firooz Najafi (2011). **"Investigation of the effect of emotional intelligence training on communication skills of students of Islamic Azad University, Najafabad branch"**. *Psychological methods and models*, vol. 2(8): 33-51. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=213805>
- Afolabi, O.A. (2017). **"Indigenous emotional intelligence scale: Development and validation"**. *Psychological thought*, 10(1): 138-154. <https://doi.org/10.5964/psyc.v10i1.184>
- Ahmad, S.; H. Bangash & S.A. Khan (2009). **"Emotional intelligence and gender differences"**. *Sarhad J. Agric*, 25(1): 127-130.
- Athota, V.S.; P.J. O'connor & C. Jackson (2009). **"The role of emotional intelligence and personality in moral reasoning"**. *European Journal of Personality Research*, 11: 453-470.
- Bar-On, R. (1997). **Bar On emotional quotient inventory: technical manual**. Toronto: Multi-Health Systems.
- Bar-On, R. (2005). **"The Bar-On model of emotional-social intelligence"**. In: P. Fernandez-Berrocal & N. Extremera (Eds.). *Special Issue on Emotional Intelligence* (P. 17-25). Rand McNally: Chicago.
- Barsade, S.G.; A.P. Brief & S.E. Spataro (2003). **"The affective revolution in organizational behavior: The emergence of a paradigm"**. In: J. Greenberg (Ed.). *Organizational behavior: The state of the science* (P. 3-52). 2nd ed. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Baumeister, R.F. & S.J. Scher (1988). **"Self-defeating behavior patterns among normal individuals: Review and analysis of common self-destructive tendencies"**. *Psychological Bulletin*, 104(1): 3-22. <http://dx.doi.org/10.1037/0033-2909.104.1.3>
- Brannick, M.T.; M.M. Wahi, M. Arce, H.A. Johnson, S. Nazian & S.B. Goldin (2009). **"Comparison of trait and ability measures of emotional intelligence in medical students"**. *Medical Education*, 43(11): 1062-1068. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1365-2923.2009.03430.x>
- Brown, R.F. & N.S. Schutte (2006). **"Direct and indirect relationships between emotional intelligence and subjective fatigue in university students"**. *Journal of Psychosomatic Research*, 60(6): 585-593. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2006.05.001>
- Carvalho, V.S.; E. Guerrero, M.J. Chambel & P. González-Rico (2016). **"Psychometric properties of WLEIS as a measure of emotional intelligence in the Portuguese and Spanish medical students"**. *Evaluation and Program Planning*, 58: 152-159. <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2016.06.006>

- Ciarrochi, J.V.; K. Hynes & N. Crittenden (2005). "**Can men do better if they try harder? Sex and motivational effects on emotional awareness**". *Cognition and Emotion*, 19(1): 133-141. <https://doi.org/10.1080/02699930441000102>
- Conte, J.M. (2005). "**A review and critique of emotional intelligence measures**". *Journal of Organizational Behavior*, 26(4): 433-440. <http://dx.doi.org/10.1002/job.319>
- Costa, P.T. & R.R. McCrae (1988). "**Personality in adulthood: A six-year longitudinal study of self-reports and spouse ratings on the NEO personality inventory**". *Journal of Personality and Social Psychology*, 54(5): 853-863. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.54.5.853>
- Daus, C.S. & N.M. Ashkanasy (2005). "**The case for an ability-based model of emotional intelligence in organizational behavior**". *Journal of Organizational Behavior*, 26(4): 453-466. <https://doi.org/10.1002/job.321>
- Deniss, D. (2009). "**Self-assessment intelligence in adults: The role gender, cognitive intelligence and emotional intelligence**". *Canadian Journal of Career Development*, 8(1): 45-56.
- Devonish, D. & D. Greenidge (2010). "**The effect of organizational justice on contextual performance, counterproductive work behaviors, and task performance: Investigating the moderating role of ability-based emotional intelligence**". *International Journal of Selection and Assessment*, 18(1): 75-86. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1468-2389.2010.00490.x>
- Dunn, S. (2002). **Emotional intelligence quotations from around the world**. Retrieved from <http://www.eqcoach.net/>.
- El Ghoudani, K.; M. Pulido-Martos & E. Lopez-Zafra (2018). "**Measuring emotional intelligence in Moroccan Arabic: the Wong and Law Emotional Intelligence Scale/ Medidas de la inteligencia emocional en arabe marroqui: la Escala de Inteligencia Emocional de Wong y Law**". *Revista de Psicología Social*, 33(1): 174-194. <https://doi.org/10.1080/02134748.2017.1385243>
- English, T.; I.A. Lee, O.P. John & J.J. Gross (2017). "**Emotion regulation strategy selection in daily life: The role of social context and goals**". *The Journal of Motivation and emotion*, 41(2): 230-242. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/28652647/>
- Fernández-Berrocal, P.; N. Extremera & N. Ramos (2004). "**Validity and reliability of the Spanish modified version of the Trait Meta-Mood Scale**". *Psychological Reports*, 94(3): 751-755. <https://doi.org/10.2466/pr0.94.3.751-755>
- Ferrándiz, C.; F. Marín, L. Gallud, M. Ferrando, J.A. López & M.D. Prieto (2006). "**Validez de la escala de inteligencia emocional de Shutte en una muestra de estudiantes universitarios**". *Ansiedad & Estrés*, 12: 167-179.
- Fukuda, E.; D.H. Saklofske, K. Tamaoka, T.S. Fung, Y. Mavaoka & S. Kiyama (2011). "**Factor structure of Japanese versions of two**

- emotional intelligence scales**". *International Journal of Testing*, 11(1): 71-92. <https://doi.org/10.1080/15305058.2010.516379>
- Goldenberg, I.; K. Matheson & J. Mantler (2006). "**The assessment of emotional intelligence: a comparison of performance-based and self-report methodologies**". *Journal of Personality Assessment*, 86(1): 33-45. https://doi.org/10.1207/s15327752jpa8601_05
 - Goleman, D. (1999). **Emotional Intelligence: Why it can Matter More than IQ**. New York, NY: Bantam Books.
 - Goleman, D. (1995). **Emotional Intelligence**. New York: Bantam Books.
 - Guerra-Bustamante, J.; B. Leon-del-Barco, R. Yuste-Tosina, V.M. Lopez-Ramos & S. Mendo-Lazaro (2019). "**Emotional intelligence and psychological well-being in adolescents**". *International journal of environmental research and public health*, 16(10): 17-20. <https://doi.org/10.3390/ijerph16101720>
 - Güleriyüz, G.; S. Güney, E.M. Aydın & Ö. Aşan (2008). "**The mediating effect of job satisfaction between emotional intelligence and organisational commitment of nurses: A questionnaire survey**". *International journal of nursing studies*, 45(11): 1625-1635. <https://doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2008.02.004>
 - Hall, J.A. & M.S. Mast (2008). "**Are women always more interpersonally sensitive than men? Impact of goals and content domain**". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34(1): 144-155. <https://doi.org/10.1177%2F0146167207309192>
 - Hargie, O.; C. Saunders & O. Dickson (1995). **Social skills in interpersonal communication**. London: Routledge.
 - Illiceto, P. & E. Fino (2017). "**The Italian version of the Wong-Law Emotional Intelligence Scale (WLEIS-I): A second-order factor analysis**". *Personality and Individual Differences*, 116: 274-280. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.05.006>
 - Kafetsios, K. & L.A. Zampetakis (2008). "**Emotional intelligence and job satisfaction: Testing the mediatory role of positive and negative affect at work**". *Personality and Individual Differences*, 44(3): 712-722. <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2007.10.004>
 - Katyal, S. & E. Awasthi (2005). "**Gender differences in emotional intelligence among adolescents of Chandigarh**". *Journal of Human Ecology*, 17(2): 153-155. <https://doi.org/10.1080/09709274.2005.11905771>
 - Kaushal, R. & C.T. Kwantes (2006). "**The role of culture and personality in choice of conflict management strategy**". *International Journal of Intercultural Relations*, 30(5): 579-603. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2006.01.001>
 - Kim, T.Y.; D.M. Cable, S.P. Kim & J. Wang (2009). "**Emotional competence and work performance: The mediating effect of proactivity and the moderating effect of job autonomy**". *Journal of Organizational Behavior*, 30(7): 983-1000. <https://doi.org/10.1002/job.610>

- Law, K.S.; C.S. Wong & L.J. Song (2004). "**The construct and criterion validity of emotional intelligence and its potential utility for management studies**". *Journal of Applied Psychology*, 89(3): 483-496. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0021-9010.89.3.483>
- Libbrecht, N.; F. Lievens & E. Schollaert (2010). "**Measurement equivalence of the Wong and Law Emotional Intelligence Scale across self and other ratings**". *Educational and Psychological Measurement*, 70(6): 1007-1020. <https://doi.org/10.1177%2F0013164410378090>
- Lindebaum, D. & S. Cartwright (2010). "**A critical examination of the relationship between emotional intelligence and transformational leadership**". *Journal of Management Studies*, 47(7): 1317-1342. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-6486.2010.00933.x>
- Lopes, P.N.; P. Salovey, S. Côté & M. Beers (2005). "**Emotion regulation ability and the quality of social interaction**". *Emotion*, 5(1): 113-118. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/1528-3542.5.1.113>
- López-Zafra, E.; M. Pulido-Martos, M.P. Berrios & J.M. Augusto-Landa (2012). "**Psychometric properties of the Spanish version of the Work Group Emotional In-telligence Profile-Short version**". *Psicothema*, 24(3): 495-502.
- Martins, A.; N. Ramalho & E. Morin (2010). "**A comprehensive meta-analysis of the relationship between Emotional Intelligence and health**". *Personality and Individual Differences*, 49(6): 554-564. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.05.029>
- Matthews, G.; M. Zeidner & R.D. Roberts (2002). **Emotional intelligence and Myth**. Cambridge, MA: Bradford.
- Mayer, J.D. & P. Salovey (1997). "**What is emotional intelligence?**". In: P. Salovey & D. Sluyter (Eds.). *Emotional development and emotional intelligence. Implications for educators* (P. 3-31). New York: Basic Books.
- Mayer, J.D.; P. Salovey & D. Caruso (1997). **Emotional IQ Test**. CD-ROM version. Richard Viard (producer). Needham, MA: Virtual Entertainment.
- Mayer, J.D.; P. Salovey & D.R. Caruso (1999). **MSCEIT Item Booklet** (Research Version 1.1). Toronto, Canada: Multi-Health Systems.
- Murphy, K.R. (2006). "**Four conclusions about emotional intelligence**". In: K.R. Murphy (Ed.). *A critique of emotional intelligence* (P. 345-354). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Petrides, K.V.; P.A. Vernon, J.A. Schermer, L. Ligthart, D.I. Boomsma & L. Veselka (2010). "**Relationship between trait emotional intelligence and Big Five in the Netherlands**". *Personality and Individual Differences*, 48(8): 906-910. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2010.02.019>
- Prado Gasco, V.; L. Villanueva & A.B. Gorriz Plumed (2018). "**Trait emotional intelligence and subjective well-being in adolescents: The moderating role of feelings**". 30(3): 310-315. <https://doi.org/10.7334/psicothema2017.232>

- Prado, J.C. & R.A. Torres (2019). "**Validation of the Wong and Law emotional intelligence scale for Chilean managers**". *Suma psicológica*, 26(2): 110-118. <https://doi.org/10.14349/sumapsi.2019.v26.n2.7>
- Qualter, P.; K.J. Gardner & H.E. Whiteley (2007). "**Emotional intelligence: Review of research and educational implications**". *Pastoral care in education*, 25(1): 11-20. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0122.2007.00395.x>
- Rammstedt, B. & O.P. John (2007). "**Measuring personality in one minute or less: A 10-item short version of the Big Five Inventory in English and German**". *Journal of Research in Personality*, 41(1): 203-212. <https://dx.doi.org/10.1016/j.jrp.2006.02.001>
- Rivers, S.E.; M.A. Brackett, M. Omori, C. Sickler, M.C. Bertoli & P. Salovey (2013). "**Emotion skills as a protective factor for risky behaviors among college students**". *Journal of College Student Development*, 54(2): 172-183. <https://doi.org/10.1353/csd.2013.0012>
- Rivers, S.E.; V.F. Reyna & B. Mills (2008). "**Risk taking under the influence: A fuzzy-trace theory of emotion in adolescence**". *Developmental Review*, 28(1): 107-144. <https://doi.org/10.1016/j.dr.2007.11.002>
- Ryff, C.D. (1989). "**Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being**". *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6): 1069-1081. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.57.6.1069>
- Ryff, C.D. & B. Singer (2002). "**From social structure to biology: Integrative science in pursuit of human health and well-being**". In: C.R. Snyder & S.J. Lopez (Eds.). *Handbook of positive psychology* (P. 541-554). Oxford University Press.
- Salami, S.O. (2009). "**Conflict resolution strategies and organisational citizenship behavior: The moderating role of trait emotional intelligence**". *Europe's Journal of Psychology*, 5(2): 41-63. <http://dx.doi.org/10.5964/ejop.v5i2.266>
- Salovey, P. & J.D. Mayer (1990). "**Emotional intelligence**". *Imagination, cognition and personality*, 9(3): 185-211. <https://doi.org/10.2190%2FDUGG-P24E-52WK-6CDG>
- Schutte, N.S.; J.M. Malouff, L.E. Hall, D.J. Haggerty, J.T. Cooper, C.J. Golden, et al. (1998). "**Development and validation of a measure of emotional intelligence**". *Personality and Individual Differences*, 25(2): 167-177. [http://dx.doi.org/10.1016/s0191-8869\(98\)00001-4](http://dx.doi.org/10.1016/s0191-8869(98)00001-4)
- Sharifi Fard, S.; M. Abdollahi Moghadam, N. Mikaeili, M. Parchami Khoram & G. Ali Babaei (2022). "**Design and Validation of Youth High-risk Behaviors Short Scale**". *Journal of Human Relations Studies*, (in press). <https://dx.doi.org/10.22098/jhrs.2022.10064.1037>
- Singh, D. (2002). **Emotional intelligence at work: A professional guide**. New Delhi: Sage Publications.
- Wang, X. (2016). Subjective well-being associated with size of social network and social support of elderly. *Journal of health psychology*, 21(6): 1037-1042. <https://doi.org/10.1177%2F1359105314544136>

- Wang, Y.S. & T.C. Huang (2009). "**The relationship of transformational leadership with group cohesiveness and emotional intelligence**". *Social Behavior and Personality*, 37(3): 379-392. <https://doi.org/10.2224/sbp.2009.37.3.379>
- Wong, C.S. & K.S. Law (2002). "**The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study**". *Leadership Quarterly*, 13(3): 243-274. [https://doi.org/10.1016/S1048-9843\(02\)00099-1](https://doi.org/10.1016/S1048-9843(02)00099-1)
- Wong, C.S.; P.M. Wong & K.S. Law (2007). "**Evidence of the practical utility of Wong's emotional intelligence scale in Hong Kong and mainland China**". *Asia Pacific Journal of Management*, 24(1): 43-60. <https://doi.org/10.1007/s10490-007-9062-3>
- Zeidner, M.; G. Matthews & R.D. Roberts (2004). "**Emotional intelligence in the workplace: A critical review**". *Applied Psychology: An International Review*, 53(3): 371-399. <https://doi.org/10.1111/j.1464-0597.2004.00176.x>

